

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ _ ۱۹ جمادی الاول ۱۴۴۵ _ ۳ دسامبر ۲۰۲۳ - شماره ۲۳۱۳ - سال هشتم
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۱۴
hamdelidaily.ir | gmail.com/newspaper.hamdeli | t.me/HamdeliNews

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
سردبیر: جلال خوش‌چهره
چاپ: صمیم ۳۳۷۲۵-۴۴۵-۰۲۱
تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷-۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷

تاریخ

تحریف تاریخ و دست اندرکاران آن

بویابی و تغییر، تکامل، پیشرفت و توسعه جامعه است. تحریفگران عمده تاریخ را باید صاحبان قدرت سیاسی دانست که برحسب صورت‌بندی‌ها یا ساختار زیربنایی و ساختارهای فرهنگی مختلف جوامع در ازمنه مختلف این صاحبان قدرت سیاسی اهرم‌های و دستیاران مختلفی را با خود همراه داشته و دارند. همچنانکه در گذشته حاکمیت کلیسا دوشادوش حاکمیت فئودالی اروپا بودند و همچنین فقیهان و سردمداران دینی دوشادوش خلفای اموی وعباسی و... بر سرنواخت جوامع حاکم و به تحریف تاریخ به روال مراد خویش می پرداختند و با سوءاستفاده از باورها و تعصب مردم به عوام‌فریبی متوسل و آن‌ها را در خدمت منافع و اهداف خود به کار می‌گرفتند. اما از زمانی‌که اقتصاد نقش مهمی در اکثر جوامع یافت وضع به گونه‌ای شد که صاحبان اهرم‌های اقتصادی نقشی مهم در تعیین قدرت سیاسی یافته و درهم آمیزی با صاحبان قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی لازم و ملزوم و پشتوانه یکدیگرند و دست به تحریف زده و می‌زنند. بینش، باور، احساس و تعصب مورخ هم می‌تواند باعث تحریف تاریخ شود. با پیشرفت علم و تجهیزات علمی و گسترش صنعت چاپ و نشر و فضای مجازی و خارج شدن تاریخ‌نویسی از انحصار دربارها و حاکمان و گسترش سواد و دانش عمومی امکان تحریف در وقایع و حوادث کاهش یافته اما اگر بپذیریم که تحریف نوعی دستبرد به واقعیت است باید هشیار بود که سارقان و دستبردزندگان حقیقت هم با استفاده از امکانات و ابزارهای پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر عمل خواهند کرد.

طاقچه تاریخی

عاقبت مبارزات و مجاهدت میرزا کوچک خان جنگلی



کشته شدن میرزا کوچک خان جنگلی، از تلخ‌ترین برگ‌های تاریخ معاصر ایران است؛ مجاهدی که در مسیر آزادی ایران جان سپرد و بعد از مرگ نیز از گزند بدخواهان در امان نماند. ابراهیم فخرانی می‌نویسد: «قوای متفرق جنگل تک و تک و جوخه جوخه به سوی اردوی دولت (قوای رضاخان سردار سپه) متوجه شده و تسلیم می‌شد.

کسانی هم که مقاومت نموده یا کشته یا دستگیر می‌شدند. البته مقاومت در این لحظات بحرانی تجسمی از یک نوع دیوانگی بود، زیرا نه سازمانی باقی مانده و نه آمانی که به آنجا پناه برده شود و نه فرماندهی که از روی نقشه و تاکتیک صحیح، عملیات جنگی را اداره نماید.»

یاران میرزا یک به یک دستگیر می‌شدند. تنها سه تن از معاریف جنگل (میرزا، گائوک (آلمانی) و معین الرعای) باقی مانده بودند که قوای دولت تعقیب شان می‌نمود و این تنها از نظر آشنائی معین الرعای به معابر کوه‌ها و گذرگاه‌ها بود که دستگیریشان را به تأخیر انداخت.

پایان کار میرزا سردار جنگل بر اثر خیانت روس‌ها و دسیسه انگلیسی‌ها توسط قوای رضاخان سردار سپه بسیار غم‌انگیز است. زیرا معین الرعای نیز تسلیم شد و «تمامی قورخانه جنگل را که تنها او می‌دانست کجاست بی‌کم و کاست تحویل نمود.»

میرزا و دوستش «هوشنگ» که همان گائوک آلمانی بود تنها ماندند. از هر طرف آن‌ها را محاصره کردند و دستش در سر راه خود به خلخال در گردنه «گیلوان» واقع در کوه‌های طالش دچار برف و بوران شدند و هر دو از شدت سرما از پا درآمدند.

در پایان آن سال ۱۳۰۰ قوای قزاق دولتی رضا خان سردار سپه با اتحاد با نیروهای تسلیم شده خالوقربان، سیدجلال چمنی، کربلایی نقره آلمانی و همچنین خان‌های محلی سردار مقتدر تالش، میرزا یوسف خان شفتی؛ همگی از فرصت استفاده کرده و طی حملات متعدد، نیروهای جنگل را در جنگل‌های آلیان وادار به عقب‌نشینی کردند که بعضی از سران تسلیم یا مخفی شدند.

میرزا بعد از ۱۰ روز پنهان شدن نهایتاً همراه با تنها یار وفادارش، گائوک آلمانی معروف به هوشنگ، جهت رفتن به نزد عظمت خانم فولادلو (حاکم خلخال)، که همیشه از میرزا حمایت می‌کرد، به طرف کوه‌های تالش حرکت کردند، ولی گرفتار بوران و طوفان شدند و سرانجام زیر فشار سرما و برف در روز جمعه ۱۱ آذر ۱۳۰۰، درحالی که میرزا، هوشنگ را به کول گرفته‌بود،

یادداشت‌ها

خوش «بال برف» سطرهایی از دفتر شعر هرمز علی پور من هم همیشه فکر می‌کردم که پایانم



امیر ساعدی
منتقد ادبی

نمایش ذات هنرمند یا شاعر است که در هنرش یا شعرش متجلی می‌شود، در واپسین شعرهای شاملو هم دیده‌ایم سطرها و شعرهایی پخته و شخصی شده که حدیث نفس و نمادسازی از تجربه زیسته شده شاعرند. که بسیار هم درخشان اند. در کارهای نیما که گفته بود: «بعدازاین پنجاهی واندی زعمراناله بر می آیدم ازهر رگی/ کاش بودم باز دروازه هر کسی/چادری و گوسفندی و سگی»...

شکلی از اشباع شدن و اجتهاد و فرزادگی که حاصل سال‌ها ممارست و کم‌خور و خواب بودن است، حافظ گفته: «خواب و خورت زمرتبه خویش، دور کرد/وانگه رسی به خویش» که بی‌خواب و خور رفتن به مراسم وقت کم می‌آورد/عجب دنیایی ست...»

به تقریب اگر نام این کتاب «رنجامه» بود خیلی گویاتر می‌بود. انتشار این کتاب به سال ۹۲ بود، در حالی که زبان شعرها به همین لحن و بیان امروز شاعر نزدیک‌ترند. گفته‌اند که حافظ غزل‌های دوره سنی سالیگی اش را در هفتادسالگی اش، بازنویسی و اصلاح کرده بود یعنی شعر دوره ۷۰سالگی اش می‌شود نزدیک به همان غزل سی سالگی. اما از همه حواشی که بگذریم عمق عاطفه گدازان در این شعرهای هرمز علی پور، آدمی را مجاب می‌کند تا به جستجوی یافتن هیچ آرایه شعری و بلاغی دیگری نباشد، سطرهایی که هرگز تصویری نیستند چیزی که در رباعی خیام وگه غزل سعدی هم هست. کلماتی که جان و روان آدمی را به چالش می‌کشند: «تحقیر نام و آدماها را دیدم و خواندم خودم بارها/انگار که پشت صحنه همه چیز برملا شده باشد/ که در انتهای چشم‌هایی شکندگی انسان...» گونه‌ای

کتاب

نخستین کتاب فلسفی قرن بیستم ترجمه شد

کتاب «مقدمه بر مابعدالطبیعه» اثر هانری برگسون، نخستین کتاب فلسفی قرن بیستم، منتشر شد. کتاب «مقدمه بر مابعدالطبیعه» بر اساس آنچه در پشت جلد آمده است، نخستین کتاب فلسفی قرن بیستم است که در عنوانش، چند سالی پیش از «مقدمه بر مابعدالطبیعه» هایدگر، لفظ مابعدالطبیعه آمده است. این کتاب همچنین علاوه بر «مقدمه بر مابعدالطبیعه»، پیوستی تحت عنوان «فلسفه فرانسوی» دارد؛ گزارشی از سیر سیصدساله فلسفه فرانسوی، از دکارت تا خود برگسون. همچنین در ادامه کتاب، پی‌گفتاری از ژیل دلوژ نیز با عنوان «بازگشت به برسون» آمده است که به

کتابخوان

خطای محاسباتی انیشتین چه بود؟

در دهه ۱۹۳۰، اکتشافات جدید در حوزه اخترشناسی این نظریه را بیان کرد که جهان در واقع ساکن نیست، بلکه دائماً در حال انبساط است. انیشتین دانشمند معروف متوجه این موضوع شد و مقاله خود را اصلاح کرد. اگرچه ما آن‌ها را خطا و نقص می‌نامیم، اما این مثال‌ها خطاپذیری ذاتی علم را نیز نشان می‌دهد که یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت آن نیز می‌باشد. علی‌رغم همه چیزهایی که به علم به زندگی ما آورده است، همچنان باید در نظر داشت که احتمال شکست آن وجود دارد، به هر حال شکست، بخشی از خود فرآیند علمی است. ثابت کیهان شناسی یا ثابت کیهانی (که اغلب با حرف یونانی لامبدا بزرگ Λ مشخص می‌شود)، در اختریف‌بزرگ جهت اصلاح نظریه اولیه نسبیت عام توسط آلبرت

م‌ی‌جوید. هایدگر که شاعران رایه خانه پناه می‌دهد: و گفته‌های تاریخ بدون تفاوت پایان نمی‌پذیرد، پس دوری از رنگ چراغ‌های شهر کافی است. مگر چقدر قرار است ستاره بشماریم ما که نمی‌خواهیم صدایی را از میان برداریم، پس چرا این‌قدر دور می‌شویم. از منزل و دنبال باغی دنج می‌گردیم. گفتگو با مرگ، و مستغرق شدن در خیال و باور مردن، وقتی شاعر رنج‌هایش را شماره می‌کند و از زخم‌هایش می‌گوید، حدیث نفس و خلوت رنج‌های خویش را با تپاهی‌ها و ویرانی بشر، دمساز می‌کند و درد مشترک را می‌جوید. او رنج تنهایی و مرگ باوری را به دیگران هم تعمیم می‌دهد: «و حتی بمیرم اگر با این مورمور و دردهایی استخوانی و بی‌خوابی چهنمی/ شماره‌ای را نمی‌گیرم/ تنها گران حال تو هستم و هنوز نمی‌دانم/ این دوری کشنده و این همه ویرانی غرامت چیست.» علی پور، شعرش را روحی فلسفی و اندیشگی سرشته است، بی آن که در ورطه فلسفه باقی گرفتار شود و نرم ادبی را قربانی کند. دغدغه او رنج تنهایی، فراموشی، ابتدال، تکرار ملال هاست. او از کنه‌های تن می‌زند و چاره آن را کودک درون شاعر می‌داند اما زړ‌سازند و اندوه نیست/ که شانه‌هایمان مامن پرندگانی ست که نمی‌توان رویت کرد/ وضعیتش که من دارم در فاصله آخرین دیدار و دقیقه‌های حاضر/ بسوی مرگم را تنها خودم تشخیص می‌دهم...» در چنین فضای حیرت که شاعر با شگفتی در خویش می‌نگرد و پرسشگری می‌کند، گویی عاقبت دلنگت خانه می‌شود؛ همان خانه‌ای که مامن شاعر است و خانه کلمه و افلاطون که شاعر را از مدینه و خانه بیرون کرد اما علی پور، به هایدگر فیلسوف، پناه

روزنامه‌نگاری

دردیست درد عشق که هیچش طیبیب نیست
گر دردمند عشق بنالد غریب نیست
دانند عاقلان که مجانبین عشق را
هر او شراب عشق نخورده‌ست و درد درد
آنست کز حیات جهانش نصب نیست
در مشک و عود و عنبر و امثال طیبیات
خوشرتر ز بوی دوست دگر هیچ طیب نیست
صد از کمند اگر بجهد بوالعجب بود
ور نه چو در کمند بمیرد عجیب نیست
گر دوست واقفست که بر من چه می‌رود
باک از جفای دشمن و جور رقیب نیست

مجازنشان

رفیقم سال ۸۴ اهواز (سمت کوت عبدالله) دانشگاه قبول شده بود، می‌گفت به‌بار تاکسی منو از یه مسیری برد که خیلی عجیب بود هر چی گفتمم آقا کجا میری؟ چیزی نمی‌گفت، ترسیدم گفتمم آقا منو پیاده کن! با بی‌خیال بود، بلند داددم کمک کمک! بیهو طرف زد رو ترمز گفتم، گمشو پایین بچه. سگ تورو می‌دزده آخه رفیقو! (رضا خان‌زاده)

ولی بچه‌ها! با کسی که با تمام وجود و از ته قلبش دوستتون داره زرنگی نکنید. یه‌درد احتمال بدید که فقط دوستتون داره و خر نیست که دروغ گفتن و پیچوندناتونو نفهمه. یه‌وقتایی‌ام می‌فهمه، به روتونم نیما، ولی خوب دلش میشکنه. اونوقت از دندش میدید. نکنید آقا! با همه زرنگی نکنید! (اوج جوروبول)

سال‌ها پیش برای آزمون دکترا رنتم کافی‌نت ثبت‌نام کنم. حدوداً ۳۲ساله بود. پسر جوانی اپراتور بود، فرض کن: ۲۵ساله. مشخصات رو که گفتم، با قیافه عاقل اندر سفیه گفتم: اوووو تو این سنم می‌خوای درس بخونی؟ منم جواب دادم آره. (فرانی)

عصری می‌خواستم پخت رول دارچینی رو با عرسی جدید امتحان کنم. پختم و سفت شد حالا خودم نمیتونستم بخورم بعد پدرم میزد تو چایی و میگفت دیبا اینجوری میشه خورد، مزه‌ش واقعا خوبه. خب من نباید این مردو بذارم وسط و دورش بگردم؟ (دیبا)

فکر

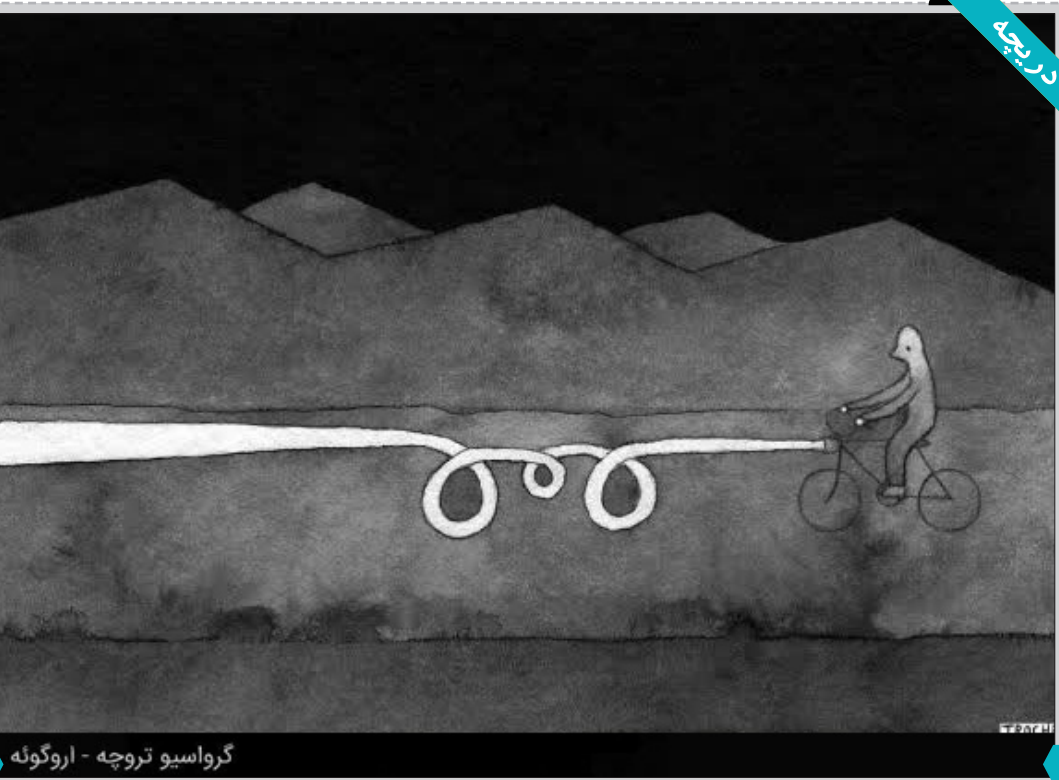
پهپاد مجهز به انرژی هسته‌ای ناسا در سال ۲۰۲۸ عازم قمر زحل می‌شود
مأموریت تازه ناسا برای کاوش تایتان، قمر زحل، وارد فاز بعدی خود شده است. اگر همه‌چیز طبق برنامه پیش برود، در سال ۲۰۲۸ شاهد پرتاب پهپاد مجهز به انرژی هسته‌ای ناسا، دراگون‌فلای، خواهیم بود. با تأیید طرح اولیه این پهپاد از جانب ناسا، آزمایشگاه فیزیک کاربردی دانشگاه جان هاپکینز وارد فاز نهایی طراحی و تولید دراگون‌فلای می‌شود. در حال حاضر تایتان تنها قمر منجمد منظومه شمسی است که ناسا برای کاوش آن برنامه دارد.

گمان می‌رود که در اعماق برخی از قمرهای یخی، مانند اروپای مشتری و انسلادوس زحل، اقیانوس‌های بزرگی جریان دارند. تایتان دومین قمر بزرگ منظومه شمسی است و ناسا به چند دلیل آن را برای مأموریت پهپادی خود انتخاب کرده؛ اول اینکه تایتان تنها قمر منظومه شمسی با اتمسفری غلیظ است. به‌علاوه، تایتان تنها جسم منظومه شمسی است که می‌دانیم بدنه‌های مایع، مثلاً رودخانه‌ها، روی سطح آن وجود دارند. اتمسفر تایتان حاوی نیتروژن و کمی متان است. همچنین چرخه‌های بارش، مانند زمین، روی سطح آن وجود دارد. جالب‌تر آنکه گمان می‌رود سطح تایتان غنی از مولکول‌های ارگانیک باشد. ابزارهای پیشرفته پهپاد دراگون‌فلای، شامل دوربین‌ها، سنسورها و نمونه‌بردارها، برای جستجوی ترکیبات ارگانیک استفاده می‌شوند. این کاوشگر همچنین می‌تواند میزان پیشرفت شیمی ماقبل حیات را بررسی کند. به‌این‌ترتیب مشخص می‌شود که حیات فرازمینی می‌تواند روی این سیاره وجود داشته باشد یا خیر. این مأموریت شامل چالش‌های مهندسی بی‌سابقه‌ای خواهد بود که تیم سازنده پهپاد باید بر تمام آن‌ها غلبه کند.

یکی از این چالش‌ها تست سیستم‌های هدایت، مسیریابی و کنترل دراگون‌فلای در محیطی شبیه به محیط تایتان است. به این منظور، تیم توسعه‌دهنده بیابان کالیفرنیا را به‌خاطر شباهت آن به زمین‌های ماسه‌ای سطح تایتان انتخاب کرده است. هم‌زمان تست‌های دیگری برای بررسی عملکرد سیستم‌های پرواز دراگون‌فلای انجام می‌شوند. همچنین پهپاد مجهز به انرژی هسته‌ای دراگون‌فلای تحت آزمایش‌های فشار اتمسفری نیز قرار گرفته است.

تیم پژوهشی برای ایجاد شرایطی مشابه با اتمسفر تایتان، از یک اتاقک فشار نواورانه با حجم ۸۵مترمکعب استفاده می‌کنند. این اتاقک با جریان ۰.۷۵مترمکعب نیتروژن مایع بر ساعت فشار و دمای اتمسفر تایتان را برای ۲۴ساعت شبیه‌سازی می‌کند.

تیم توسعه‌دهنده در گزارش خود آورده است که سازه اصلی پهپاد می‌تواند دمای بسیار پایین و فشاری نزدیک به فشار اتمسفری تایتان را تحمل کند. این مأموریت ابتدا برای ۲۰۲۷ برنامه‌ریزی شده بود، اما به‌علت محدودیت‌های بودجه یک سال به تعویق افتاد. حالا تیم دانشگاه جان هاپکینز باید پهپاد خود را برای بررسی‌های ناسا در سال ۲۰۲۴ آماده کند.



گرواسیو تروچه - اروگوئه

دریچه